[صد و بیست و سه]

[هویت شخصیتی پیشین؛ هویت کلی نوعی]

> در اصل توسط **Hosein-** نوشته شده است
> [illegible]
> **هویت کلی نوعی بودن به هویت شخصیتی:**
> **اعداد هویت‌شان نوعی است**. [illegible]
> [illegible] «[illegible]» [illegible]

سلام علیکم

شاید بتوان گفت که هویت شخصیتی پیشین با هویت کلی نوعی تفاوت دارد، چون کلی نوعی هر چند مصداق نداشته باشد و ای حتی ممتنع المصداق باشد اما قوام نوعیت او به فرض مصداق است، ما ال یمتنع فرض صدقه علی کثیرین، و لذا در مواردی که ذهن اصالا ملاحظه صدق بر مصداق نمی‌کند، شاید مناسب باشد به جای اینکه او را کلی ببینیم، دارای شخصیت مورد توجه و عنایت عقل ببینیم، هرچند شخص به معنای معروفش نیست، یعنی طبیعت شخصیتی ای هویت شخصیتی دارد.

و عدد هر چند در کتب کلاسیک به عنوان نوع شناخته می‌شود، کل عدد نوعٌ برأسه، اما شاید ریخت هویتی او بیشتر نزدیک به هویت شخصیتی باشد تا هویت کلی نوعی، چرا؟ مثالی عرض می‌کنم تا مقصودم واضح شود: می‌گویی «اولین عدد اول پس از بزرگترین عدد اول که امروز بشر می‌شناسد» ملاحظه فرمایی که این عدد فعلا برای بشر معلوم نیست، ولی به برهان می‌دانیم که هست، نکته اینجاست که به محض اینکه عرض کردم می‌دانیم هست، ذهن شما سراغ چیزی نرفت که می‌خواهی فرض مصداق برای او بکنی، بلکه ذهن متوجه یک چیز، دقیقا یک چیز شد، (چیز ریاضی)، بدون اینکه محتاج فرض صدق برای او باشد، این مثال را برای مجهول زدم تا بیشتر جنبه شخصیتی او نمود پیدا کند، و گرنه همان مثال: «اولین عدد زوج» هم ذهن سراغ فرض دو کتاب و دو انسان و اینها نمی‌رود، و این سخن هر چند در مثل انسان هم می‌توان گفت، اما انسان پس از اینکه افرادش معدّ برای ذهن شدند، از آنها به قولی تجرید می‌شود، و لذا به رنگ کلیت بیشتر جلوه دارد تا هویاتی که اصلا مصادیق نقش اعداد در درک آنها ندارند.

و مثالهای دیگر هم می‌توان برای هویات شخصیتی پیشین پیدا کرد، مثل استلزامات، خواه مثل «**لو کان فیهما**[1]»، و ای «اگر انسان در حال کتابت باشد متحرک الاصابع است»

لو کان فیهما آلهة الاّ الله لفسدتا(سورة الانبیاء، آیه ۲۲) [1]

بازبینی #1
ایجاد شده 13 آوریل 2025 16:29:09 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 آوریل 2025 16:29:41 توسط ... .